

بررسی آثار آزادسازی تجاری در کشورهای در حال توسعه

بهنام سالم^۱

نفیسه یوسف‌پور^۲

در این مقاله ضمن تبیین آزادسازی تجاری، منافع و ضررهای آن مورد بحث واقع شده است. معمولاً در بحث نظری بیشتر بر منافع آزادسازی تأکید شده که به صادرات بیشتر و رشد اقتصادی بالاتر منجر می‌شود. اما ممکن است به علت رشد سریع‌تر واردات نسبت به صادرات و در نتیجه وضعیت ناپایدارتر از پرداخت‌ها منافع آزادسازی خنثی شود. تجارت و آزادسازی در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به ویژه در کشورهای در حال توسعه تا حد زیادی رشد نمود. همزمان با افزایش آزادسازی در سطح جهان، مطالعات تجربی مختلفی در زمینه ارزیابی آثار آزادسازی انجام شد که اکثر این مطالعات اثر مثبت آزادسازی را مورد تأیید قرار داده‌اند. در نهایت نتیجه‌گیری شده که در صورت هم‌انگي با سیاست‌های داخلی و اصلاح ساختاری و اتخاذ نظام ارزی مناسب همراه با ثبات اقتصادی، آزادسازی می‌تواند موفق و ثمربخش باشد.

واژه‌های کلیدی: آزادسازی تجاری، جهانی‌شدن، رشد اقتصادی، سیاست ارزی، کشش قیمت واردات، سیاست‌های حمایتی، موانع تجاری، تعرفه، یارانه صادراتی.

۱. مقدمه

با توجه به رشد تجارت بین‌الملل در چند دهه اخیر همواره این سؤال در مجامع بین‌الملل و نیز مراکز علمی و سمینارهای اقتصادی مطرح بوده که آیا رشد تجارت می‌تواند در آمد و رفاه را افزایش دهد؟ به طور خاص این سؤال در کشورهای در حال توسعه از حساسیت بیشتری برخوردار است، زیرا این کشورها به لحاظ فقدان ظرفیت‌های علمی و تخصصی ممکن است سهم کمتری از منافع حاصله از تجارت جهانی را به خود اختصاص دهند. در واقع، کشورهای در حال توسعه در فضای آزاد تجاری در شرایط نابرابر در مقابل کشورهای توسعه‌یافته قرار دارند و این امر می‌تواند منافع تجاری خرد و کلان اقتصادی آنها را کاهش دهد.

behnamsalem@yahoo.com

nafiseh_yosefpoor@yahoo.com

۱. دکترای علوم اقتصادی.

۲. کارشناس ارشد دفتر تولیدی.

۲. تعاریف آزادسازی و جهانی شدن

۲-۱. آزادسازی تجاری

آزادسازی تجاری^۱ به طور ساده عبارت از حذف (کاهش) موانع تجاری در تجارت بین الملل است این تعریف کوتاه اگرچه تا حد زیادی مشخص کننده آزادسازی است، اما نیازمند تبیین و روشن سازی بیشتری است. اولاً موانع تجاری در صحنه تجارت جهانی انواع متنوعی دارد. عمده ترین موانع تجاری تعرفه ها و یارانه های صادراتی هستند که در سطح وسیع در مبادلات بین المللی بکار برده می شوند. تعرفه بر روی کالاهای وارداتی وضع می شود تا قیمت داخلی کالای وارداتی در کشور واردکننده گران شود و به این ترتیب از صنایع داخلی حمایت شود. یارانه معمولاً بر کالاهای صادراتی وضع شده تا تولیدکننده داخلی با حمایت دولت بتواند کالای خود را در بازارهای جهانی با قیمت کمتر بفروشد و ضمن کسب سود، توان رقابتی خود را نسبت به سایر کشورهای صادرکننده افزایش دهد.

در مورد تعرفه توجیه دیگری وجود دارد مبنی بر این که تعرفه برای دولت نوعی درآمد محسوب می شود که می تواند از این درآمد در راستای سیاست های اقتصادی خود استفاده نماید. این درآمد برای کشورهای در حال توسعه یا عقب مانده که فاقد منابع اقتصادی کافی بوده از حساسیت خاصی برخوردار است و لذا حذف و یا حتی کاهش آن به سختی قابل اجراء است.^۲

سایر موانع تجاری نیز حسب مورد استفاده می شود که بعضاً از توجیه اقتصادی و نیز منطقی برخوردار است. معمولاً کشورهای توسعه یافته و نیز در حال توسعه مقررات بهداشتی را برای واردات کالاهای کشاورزی و غذایی اعمال می کنند که نوعاً به عنوان مانع تجاری خصوصاً برای کشورهای در حال توسعه که فاقد ظرفیت های لازم برای ارتقاء محصولات خود هستند، تلقی می شود. همچنین کشورهای اسلامی نیز براساس موازین شرعی خود از واردات کالاهای حرام یا شبهه ناک نظیر واردات گوشت حیواناتی که ذبح اسلامی نشده ممانعت بعمل می آورند که از توجیه دینی برخوردار است. سهمیه بندی نیز از جمله موانع تجاری محسوب شده که براساس اهداف مختلف اقتصادی دولت از قبیل کنترل مصرف، حمایت از صنایع داخلی استفاده می شود. در اعمال سهمیه بندی دولت برای واردات کالای سهمیه بندی شده در حد تعیین شده تعرفه کمتری قائل شده و مقدار بیشتر از سهمیه

1. Trade Liberalization

۲. در بعضی از کشورهای عقب مانده آفریقایی درآمد تعرفه بالغ بر ۷۰ تا ۸۰ درصد درآمد دولت آن کشور می شود.

از تعرفه به مراتب بالاتری برخوردار است سایر محدودیت‌های تجاری نیز ممکن است وضع شود که در این گزارش مجال پرداختن به آنها نیست.^۱

۲-۲. آزادسازی مالی

آزادسازی مالی مربوط به بازشدن بازارهای مالی در رابطه با حرکت آزادانه سرمایه مالی از یک کشور به کشور دیگر است. اقدامات آزادسازی مالی نیز متنوع است. به عنوان نمونه، مقررات زدایی در خصوص فرصت‌های سرمایه‌گذاری بنگاه‌های خارجی و اعمال تخفیف یا معافیت‌های مالیاتی برای ورود جریان سرمایه مالی سرمایه‌گذاران خارجی به اقتصاد داخلی می‌تواند به آزادسازی مالی منجر شود. در حالت جدی که تمام کنترل‌ها بر سرمایه‌گذاری خصوصی خارجی برداشته شود، سرمایه آزادانه می‌تواند در سطح جهانی جابجا شود.

۲-۳. جهانی‌شدن

جهانی‌شدن شامل طیفی از روندها و عوامل است که منجر به باز شدن، ادغام و وابستگی میان اقتصادها می‌شود. بنابراین جهانی‌شدن یک پدیده کاملاً انفرادی تلقی نشده بلکه در واقع جهان را به صورت یک بازار منفرد در نظر گرفته و حوزه تولید جهانی کشورها توسط تجارت و جریانات سرمایه‌گذاری به هم مرتبط می‌شوند. در این صورت منابع جهانی می‌تواند به صورت بهینه بکار رفته که ناشی از استفاده از صرفه‌های مقیاس و بهره‌گیری از فناوری کارا در تولید است. جهانی‌شدن به جابجایی آسان جریانات کالا و عوامل در سطح جهان منجر شده که توسط آن تجارت، خدمات، سرمایه‌گذاری، سرمایه مالی، فناوری و بالاخره نیروی کار آزادانه جابجا می‌شوند.

در سطح خرد نیز جهانی‌شدن می‌تواند منجر به فرآیندی شود که در آن بنگاه فعالیت‌هایش را با دیدگاه جهانی و براساس حداکثرکردن سود و رقابتی عمل کردن، هماهنگ نماید. جهانی‌شدن دارای نقاط قوت و ضعف است.

به لحاظ جنبه مثبت، جهانی‌شدن می‌تواند صرفه‌های عملیاتی، اصلاح فناوری و بهره‌وری را از طریق تخصصی نمودن و استفاده از عوامل تولید و فناوری جهانی به ارمغان آورد. همچنین در مواردی که فرصت‌ها در سطح کشوری محدود هستند، جهانی‌شدن می‌تواند کاربرد مولد سرمایه در سطح جهانی را فراهم کرده و نرخ‌های بازده پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را حداکثر نماید.

۱. به عنوان مثال، شرط حداقل دسترسی به بازار که براساس مقررات سازمان تجارت جهانی اعمال می‌شود و براساس آن کشور موردنظر باید سهمی از مصرف داخلی را به واردات تخصیص دهد.

از سوی دیگر کشورهای با درآمد کم که تولید آنها کاربر است در فرایند جهانی شدن ممکن است متضرر شده و اشتغال آنها کاهش یابد. علاوه بر این، ممکن است در صورت افراط در فرایند جهانی شدن سیاست‌های ملی قربانی سیاست جهانی شده و به نوعی حاکمیت اقتصادی کشور را تحت‌الشعاع خود قرار دهد.

۲-۴. نقاط اشتراک و افتراق آزادسازی و جهانی شدن

آزادسازی تجاری و جهانی شدن گرچه نقاط اشتراکی با یکدیگر داشته، اما موارد افتراقی نیز با یکدیگر دارند. به عنوان نمونه، آزادسازی تجاری موجبات باز شدن بازارها را فراهم می‌سازد یعنی با کاهش تعرفه‌ها و حذف موانع تجاری و آزاد کردن جریان سرمایه و سرمایه‌گذاری میان کشورها و افزایش شفافیت تجاری و تسهیل تجاری می‌تواند در زمینه تجارت جهانی مؤثر واقع شود. در مفهوم وسیع، آزادسازی تجاری شامل اقداماتی است که افزایش تجارت را تسهیل می‌کند، اما لزوماً متضمن حرکت آزادانه عوامل اقتصادی کار و سرمایه نیست. در واقع آزادسازی تجاری به معنای کاهش محدودیت‌های تجاری است که کشورهای جهان به عناوین مختلف طی سالیان متمادی ایجاد کرده‌اند. از مهم‌ترین آنها، حمایت از صنایع داخلی در مقابل رقابت تولیدکنندگان خارجی بوده که از طریق موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای اعمال شده است.

۲-۵. طرفداران و مخالفان آزادسازی

از جمله طرفداران جدی آزادسازی باگواتی^۱ و کروگر^۲ هستند. آنها مدعی هستند که جهانی شدن و سیاست‌های برون‌گرایانه به رشد پایدار اقتصادی کمک می‌کند. پاناگاریا^۳ اظهار می‌دارد معجزه رشد درآمد سرانه در کشورهایی که با نرخ پایدار ۳ درصد یا بیشتر طی دوره (۱۹۹۹-۱۹۶۱) رشد کرده‌اند تقریباً ناشی از تجربه رشد سریع تجاری آنها بوده است. در مقابل در مورد کشورهایی که حمایت‌گرا محسوب شده و رشد سریع را تجربه کرده‌اند شواهد کمی وجود دارد. کشورهای فاقد رشد هم عملکرد ضعیفی از تجارت را به همراه داشته‌اند. بعضی از طرفداران افراطی تجارت آزاد ادعا می‌کنند باز شدن تجاری به خودی خود برای رشد کافی است. آنها اظهار می‌دارند که ثبات کلان اقتصادی، اجرای قراردادهای اعتبار سیاسی برای حصول رشد بالاتر اقتصادی لازم است، اما اینچنین سیاست‌هایی در یک محیط باز تجاری نتایج بهتر و مؤثرتری را به همراه خواهد داشت. باز شدن اقتصاد به عنوان انگیزه و محرک مستقیم رشد

1. Bhagwati

2. Kruger

3. Panagariya

اقتصادی است. غالباً افزایش رشد نیز به افزایش آزادسازی تجاری منجر می‌شود و برعکس آزادسازی منجر به رشد می‌شود.

در مقابل، کسانی هستند که در مقابل آزادسازی دیدگاه منتقدانه داشته و آن را با احتیاط بکار می‌برند. رودریگز و رودریک^۱ در این زمینه با بکارگیری مدل‌های، ارتباط میان رشد و باز بودن اقتصاد را از طریق معادلات رگرسیونی ارزیابی کرده‌اند. نتایج مطالعات آنها حاکی از آن بوده که میان رشد و باز شدن اقتصاد در میان کشورهای منتخب شواهد کمی موجود است.

۶-۲. تجربه آزادسازی در جهان و نتایج آن

اگرچه کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه‌یافته از نرخ رشد کمتری برخوردار بوده‌اند، اما در دهه ۱۹۸۰ آزادسازی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه براساس برنامه تعدیل ساختاری نهادهای مالی چندجانبه تسریع شد. در بعضی از کشورهای در حال توسعه نسبت به آزادسازی جریانات سرمایه در مقایسه با اصلاحات سیاستی تجاری انعطاف بیشتری اعمال شد که این انعطاف تا حد زیادی به منظور جذب سرمایه مستقیم خارجی و جریانات سهام بدون خلق بدهی بوده است.

مطالعه تجربی بین کشورها با استفاده از مدل پانل - دیتا که توسط واسزیارگ و ولج^۲ انجام شده حاکی از آن است که یک کشور در مرحله آزاد شده نسبت به مرحله حمایت شده ۱/۵ درصد به طور متوسط سالانه بیشتر رشد می‌نماید. البته باید توجه داشت در تمام مطالعات انجام‌شده درخصوص آزادسازی، سیاست ارزی خیلی مهم تلقی می‌شود. اگر نرخ ارز حقیقی زیاد ارزش‌گذاری شود هنگامی که در کشور آزادسازی انجام می‌شود، این نرخ ارز موجب تبعیض برعلیه کالاهای مبادله شده می‌شود که به طور آشکار اثر عامل بازشدن بر رشد را کاهش می‌دهد.

استیگلitz^۳ درخصوص سرعت آزادسازی دو نکته را مدنظر قرار داده است. اولاً او معتقد است آزادسازی تجاری باید تدریجاً اجرا شود و ثانیاً باید کشورهای توسعه‌یافته موانع موجود تجاری برای واردات کشورهای در حال توسعه خصوصاً محصولات کشاورزی که به علت وضع یارانه‌های صادراتی کشورهای پیشرفته موجب ضرر کشورهای در حال توسعه شده است را حذف نمایند.

شاید سابقه بد آزادسازی به علت وقوع بحران‌های مالی آمریکای لاتین و اقتصادهای آسیای جنوب شرقی باشد، این امر باعث نشده که نظرات اقتصادی در سطح وسیع حمایت‌گرایی را توصیه کند. در واقع سقوط رشد اقتصادی آمریکای لاتین در دهه ۱۹۸۰ در مجموع می‌تواند ناشی از مسائل

1. Rodriguez and Rodrick
2. Wacziarg, R. and KH Welch
3. Stiglitz

مالی نباشد. بعضی از اقتصاددانان و نیز بانک جهانی، شکست اقتصادی کشورهای آمریکای لاتین را ناشی از ادغام ناقص این کشورها با اقتصادهای بین‌المللی و نقش نسبتاً بزرگ دولت می‌دانند. گروه دیگری ضعف عملکرد آمریکای لاتین را ناشی از بحران بدهی این کشورها می‌دانند (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۳).
آنکتاد^۱ در مطالعات خود به این نتیجه رسیده که سیاست بهینه اول در آزادسازی و جهانی شدن و ادغام سریع قابل توصیه نمی‌باشد، بلکه در عوض باید از سیاست ادغام منتخب که ادغام استراتژیک است استفاده کرد.

در واقع طی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بسیاری از کشورهای در حال توسعه به اصلاحات دوررس گرایش بازار روی آورده و انتظار داشتند که ادغام آنها در اقتصاد جهانی، اصلاح تخصیص منابع را به همراه داشته باشد. اما عملاً این اصلاحات با نرخ‌های کم سرمایه‌گذاری و نیز غیرصنعتی شدن مواجه شد. آزادسازی سریع، کسری‌های تجاری را ایجاد کرده که به دنبال خود مشکل ترازپرداخت‌ها و افزایش وابستگی به جریانات سرمایه را به همراه داشت. ورود سرمایه نرخ‌های بهره را افزایش داده که به سرمایه‌گذاران داخلی لطمه زده و رشد را آهسته کرده و در نتیجه افزایش ارزش پول را ایجاد کرد، لذا رقابت‌پذیری جهانی تولیدکنندگان داخلی کاهش یافته و عملکرد تجاری تحت تأثیر منفی قرار می‌گیرد (آنکتاد، ۲۰۰۶).

در شیلی آزادسازی تجاری با دقت و احتیاط بیشتری انجام شد. این کشور همزمان با کاهش تعرفه‌ها اصلاحاتی را در راستای خصوصی‌شدن انجام داد و با مدیریت کلان اقتصادی توانست ضمن بازشدن تجارت، برخلاف سایر اقتصادهای آمریکای لاتین، ثبات کلان اقتصادی را برقرار نماید. شیلی تنها اقتصاد عمده در آمریکای لاتین است که توانسته رشد پایدار سریع را حفظ نماید و GDP در این کشور طی سال‌های (۱۹۸۱-۱۹۹۰) و (۲۰۰۱-۱۹۹۱) به ترتیب با نرخ متوسط سالانه ۵/۳ و ۵/۹ درصد رشد کرد.

در منطقه آسیا تجربه چین و هند طی دهه ۱۹۸۰ حاکی از آن است که برای حصول عملکرد رشد بالاتر سیاست‌های برون‌گرا لازم است. چین در دهه ۱۹۷۰ بازشدن اقتصاد در زمینه تجاری و سرمایه‌گذاری خارجی را همراه با سایر اقدامات سیاستی شروع کرد. طی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، GDP این کشور با نرخ نزدیک به دو رقمی رشد کرد، ضمن آنکه درآمد سرانه‌اش طی دو دهه مذکور ۴ برابر شد. نرخ رشد صادرات و نیز واردات در سطح بسیار بالایی قرار داشت و این وضعیت دلالت بر این امر دارد که تجارت موتور رشد اقتصادی چین بوده است.

1. UNCTAD

بنابراین، تجربیات مذکور و نیز تجربه سایر کشورها مانند اقتصادهای انتقالی روسیه، آلمان شرقی و نیز بوتسوانا و موریتانی در آفریقا حاکی از آن است که جهانی شدن یک چاقوی دو لبه است. اگر یک کشور سیاست‌های اقتصادی‌اش را که مکمل شرایط رایج اقتصاد جهانی است برقرار نماید، احتمالاً می‌تواند از رشد اقتصادی مناسب برخوردار شود.

با توجه به آزادسازی‌های انجام شده کلاین^۱ پیش‌بینی نموده که روسیه، هندوستان و چین مراکزی هستند که رشد مناسبی را تجربه خواهند کرد. چین با نرخ سالانه ۷-۱۰ درصد از ۱۹۷۸ (به استثنای دوره ۱۹۹۰-۱۹۸۹) رشد کرده است. اقتصاد هندوستان در صد است تا به نرخ ۷ درصد رشد برسد. نرخ رشد روسیه گرچه به اندازه نرخ‌های رشد هندوستان و چین نخواهد بود، اما به هر حال نرخ‌های جدید مناسبی را شاهد خواهد بود.

۲-۷. بازده^۲ و منافع بالقوه آزادسازی تجاری

تجارت موتور رشد اقتصادی تلقی شده و دارای منافع ایستا و پویا است. دیروال^۳ معتقد است رشد اغلب کشورهای در حال توسعه به لحاظ کمبود ارز خارجی محدود شده و آنها نمی‌توانند با صادرات بیشتر رشد بیشتری را کسب نمایند. این در حالی است که منافع پویای تجارت مربوط به انتقال مرز امکانات تولید است، زیرا تجارت به سرمایه‌گذاری بیشتر، رشد سریع‌تر بهره‌وری توسط صرفه‌های مقیاس، کسب فناوری‌های جدید از خارج به ویژه از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مرتبط می‌شود.

هلمپن و کروگمن^۴ بر منافع پویای تجارت تأکید داشته و یک رابطه علی میان رشد اقتصادی و صادرات ارائه می‌کنند. در نظریه جدید رشد، این فرض عنوان می‌شود که صادرات از کاهش تولید نهایی سرمایه‌گذاری کرده و عملکرد رشد بلندمدت توسط تجارت اصلاح می‌شود. در واقع، برای یک کشور کوچک و بدون تجارت حیطه بسیار، کمی برای سرمایه‌گذاری در مقیاس بزرگ در زمینه تجهیزات سرمایه‌ای پیشرفته وجود داشته و تخصیصی شدن این کشور محدود به مقداری است که از بازار دریافت می‌کند، اما اگر یک کشور کوچک و فقیر بتواند تجارت کند زمینه برای صنعتی‌شدن را ایجاد خواهد کرد.

1. Klein

۲. نظریه ایستای تجاری نئوکلاسیک براساس مزیت نسبی ریکاردو رقابت کامل رافرض می‌کند. در حال حاضر با توجه به تشکیل اتحادیه اروپا و بلوک‌های مشترک تجاری در تجارت بین‌الملل، این نظریه مطلوبیت خود را از دست داده است.

3. Thirlwall (2000)

4. Helpman and Krugman

برامبهات و دادوش^۱ در IMF برای بازشدن اقتصادی^۲ چهار شاخص زیر را ارائه کرده‌اند:

– نسبت صادرات و واردات به GDP

– نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به GDP

– سهم صنعت در کل صادرات

– درجه اعتبار کشور

آنها مطالعه خود را در قالب ۹۳ کشور انجام داده و کشورها را به ۴ گروه به لحاظ رشد تقسیم کرده‌اند. رشد سریع که شامل اکثر اقتصادهای صادراتی کشورهای آسیای شرقی شده و رشد آهسته که به کشورهای با درآمد کم صحرای آفریقا و بعضی کشورهای با درآمد متوسط آمریکای لاتین مربوط می‌شود.

برامبهات و دادوش عنوان می‌کنند اقتصادهای ژاپن، کره جنوبی، تایوان، سنگاپور، هنگ کنگ، مالزی، اندونزی و تایلند در پرتو توسعه صادرات خود یکی از بالاترین نرخ‌های رشد GDP را تجربه کرده‌اند، یعنی متوسط نرخ رشد ۶ درصد از ۱۹۶۵ به بعد و برای صادرات این رقم بیش از ۶ درصد بوده است.

به اعتقاد آنها در خصوص موفقیت ببرهای اقتصادی سه سیاست وجود داشته است:

– سیاست‌های صنعتی برای ارتقای بخش‌های خاص

– کنترل دولتی بازار مالی برای کاهش هزینه سرمایه

– اعطاء اعتبار مستقیم به بخش‌های استراتژیک و سیاست‌های ارتقاء صادرات و حمایت از صنعت

داخلی

وینتر^۳ معتقد است در کشورهای در حال توسعه تجارت نرخ‌های رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد

اما نه برای همیشه.

1. Brahmabhatt and Dadush

۲. برای اینکه برچه مبنایی کشورها آزاد یا بسته تلقی می‌شوند جواب مشخصی ندارد و می‌تواند برحسب معیارهای مختلف طبقه‌بندی شود. ساچز و وارنر با استفاده از متغیرهای مجازی، پنج مشخصه را برای سیاست‌های خاص تجاری برای بازشدن تجاری ایجاد کرده‌اند. به طور مشخص اگر کشوری حداقل حائز یکی از خصوصیات ذیل باشد به عنوان کشوری بسته تلقی می‌شود.

۳. نرخ متوسط تعرفه ۴۰ درصد یا بیشتر

۴. موانع غیرتعرفه‌ای بالغ بر ۴۰ درصد یا بیشتر از تجارت

۵. دارا بودن بازار سیاه ارز که در آن نرخ رسمی ارز طی دهه‌های ۱۹۷۰ یا ۱۹۸۰ به میزان ۲۰ درصد یا بیشتر کاهش ارزش داشته باشد.

۶. داشتن انحصار دولت در صادرات عمده سیستم اقتصادی سوسیالیستی

7. Winter

به نظر می‌رسد باز شدن اقتصادی فساد کمتر و تورم کمتر را به همراه داشته باشد و این عوامل همراه با فرصت فروش کالا به خارج موجب رشد از طریق تحریک سرمایه‌گذاری می‌شود و به همین دلیل به عنوان موتور رشد اقتصادی تلقی می‌شود.

در کشورهای در حال توسعه، ارتباط زیادی میان صادرات و رشد اقتصادی وجود دارد. اثرات خارجی صادرات بر بخش غیرصادرات و نیز بهره‌وری نهایی بیشتر بخش‌های صادراتی نسبت به بخش‌های غیرصادراتی نقش مهمی در ارتقاء صادرات و رشد GDP ایفا می‌نمایند. در این زمینه مدل نظری فدر^۱ در چین بکار رفته است. نتایج مدل نشان داده ساختار اقتصادی، درجه باز شدن و محیط‌سیاستی، نقش مهمی در ارتباط میان صادرات و رشد اقتصادی دارد. مناطق ساحلی چین و انجام اصلاحات قابل توجه و متعدد در صادرات و ایجاد قطب‌های صادراتی موجب شده تا رشد صادرات و رشد تولید داخلی این مناطق به طور غیرمنتظره افزایش یابد.

لازم به ذکر است که حذف و کاهش تعرفه می‌تواند عملکرد واردات و کشتش‌های قیمتی واردات را اصلاح نماید. در هندوستان طبق مطالعات انجام شده کشتش قیمتی واردات با افزایش آزادسازی افزایش یافته است.

با استفاده از مدل پانل - دیتا در خصوص همگرایی و نیز استفاده از مفاهیم همگرایی بتا^۲ و همگرایی سیگما^۳ برای ۱۴ کشور آسیایی، ۳۰ کشور آفریقایی و ۲۰ کشور آمریکای لاتین مطالعه تجربی انجام شده است.

نتایج مدل نشان می‌دهد برای اقتصادهای آسیایی و آمریکای لاتین، آزادسازی همگرایی درآمدهای سرانه حقیقی را در سطح درآمد منطقه‌ای تسریع کرده، اما برای کشورهای آفریقایی برعکس بوده و به نظر می‌رسد واگرایی در درآمدهای سرانه حقیقی نسبت به متوسط را ایجاد کرده است.

۲-۸. مخاطرات آزادسازی

با توجه به نقش مهم رابطه مبادله در افزایش تجارت معمولاً ارتباط میان رابطه مبادله و نسبت GDP به تراز تجاری تحلیل می‌شود. معمولاً ادبیات اقتصادی منحنی J یا منحنی S را میان رابطه مبادله و تراز تجاری تصریح می‌کند. در واقع، افزایش نرخ ارز از ابتدا موجب می‌شود کسری تجاری زیادتر شده و سپس بعد از وقفه کم می‌شود. این اثر منحنی J می‌نامند، زیرا وقتی این وضعیت رخ می‌دهد نمودار مازاد تجاری به شکل J درمی‌آید. منحنی S کمی بسط یافته‌تر از منحنی J است به این معنا که اثر افزایش نرخ ارز بعد از

1. Feder

2. Beta - Convergence

3. Sigma - Convergence

مدتی از بین می‌رود و وقتی تمام آثار تحقق یافتند هیچ اصلاح بیشتری وجود ندارد و لذا در بالای منحنی شیب صفر یا منفی می‌شود. نتایج مدل مذکور نشان می‌دهد که برای تعداد کمی از اقتصادهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین وجود منحنی S تأیید می‌شود، اما برای تعداد زیادی از کشورها هیچکدام از ارتباطات منحنی J و یا S بطور اکید وجود ندارد. با این مقدمه باید گفت که از جمله روابط مهمی که باید در مطالعات آزادسازی مدنظر واقع شود رابطه میان آزادسازی و تراز تجاری است. مسلماً آزادسازی تجاری به لحاظ استفاده کارآتر از منابع به دلیل افزایش رقابت و استفاده از علم و فناوری خارجی موجب رشد در طرف عرضه اقتصاد می‌شود. از سوی دیگر، آزادسازی می‌تواند به رشد سریع‌تر واردات نسبت به رشد صادرات منجر شده و در نتیجه به دلیل وضعیت ناپایدارتر از پرداخت‌ها، منافع طرف عرضه خنثی شود. اکثر مطالعات تجربی انجام شده در این زمینه نشان می‌دهد آزادسازی رشد را افزایش داده، اما خود رشد اثر منفی بر تراز تجاری داشته است. کشورهای آزاد شده ممکن است نرخ‌های ارز حقیقی بالا، یک تراز بدتر پس‌انداز سرمایه‌گذاری و در نتیجه یک حساب جاری و تراز بدتر تجاری را تجربه نمایند.

۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

رشد تجارت در دهه‌های اخیر تا حد زیادی ناشی از آزادسازی‌های انجام شده در راستای تسهیل تجارت جهانی بوده است. با وجود رشد آزادسازی در جهان همواره ابهامات و سؤالاتی در زمینه آثار آزادسازی مطرح بوده است. این سؤالات خصوصاً در کشورهای در حال توسعه مطرح است. در واقع آزادسازی دارای آثار مختلفی بر اقتصاد داخلی و نیز جهانی است که صرفاً محدود به صادرات و یا واردات نمی‌شود. بنابراین همواره این سؤال مطرح است که برآیند کلی آثار مثبت و منفی آزادسازی چگونه تحلیل و ارزیابی شود؟ برای ارزیابی مذکور مدلسازی اقتصادی توسعه یافته و توسط مدل‌ها و ملحوظ نمودن متغیرهای موردنظر در آزادسازی، آثار آزادسازی (عمدتاً در سطح کلان) تحلیل شده براساس نتایج تجربی مدل‌های مذکور می‌تواند به شرح ذیل جمع‌بندی شود:

– اجرای فرایند آزادسازی تجاری لزوماً همراه با رشد اقتصادی و آثار مثبت تجاری نیست و مستلزم هماهنگی اقتصاد داخلی به لحاظ ساختاری، مقررات اقتصادی، سیاست‌های هماهنگ و ثبات اقتصادی است.

– فرایند آزادسازی تجاری می‌بایست به طور تدریجی اجرا شود و هماهنگ با آن سیاست‌های داخلی اقتصادی اتخاذ گردد. هر نوع اقدام شتابزده و غیرمنطقی می‌تواند آثار منفی و بحرانی و غیرمنتظره را به همراه داشته باشد.

- از جمله عوامل مهم در آزادسازی تجاری، نرخ ارز است. نظام ارزی مناسب می تواند نقش مؤثری در بهره گیری از فواید آزادسازی داشته باشد و برعکس نرخ نامناسب ارزی می تواند آثار مثبت آزادسازی را خنثی و آثار منفی آن را تشدید نماید.
- آزادسازی فرصت های تجاری را بسط و توسعه می دهد، هر کشوری که بتواند بیشتر و بهتر از این فرصت ها استفاده نماید به تبع آن از منافع تجاری بیشتری بهره مند می شود.
- آزادسازی باید در راستای منافع جهانی تمام کشورها و در راستای حق توسعه که در سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شده باشد و نباید زمینه ساز دخالت کشورهای ثالث و یا تحت الشعاع قرار دادن حاکمیت اقتصادی دولت ها شود.
- کاهش تعرفه ها می بایست با صلاح دید دولت مورد نظر انجام شود و براساس این صلاح دید می تواند در مورد صنایع و یا کالاهای استراتژیک اعمال نشود.
- آزادسازی نمادین و ورود بی رویه کالاهای خارجی و سرمایه خارجی نه تنها اثر مثبتی نداشته بلکه می تواند به تورم فراینده تبدیل شود.
- آثار نهایی آزادسازی موفق باید در افزایش بهره وری، کارایی، استفاده از فناوری های جدید و افزایش صادرات نسبت به واردات متجلی شود.
- اجرای آزادسازی نباید موجب غفلت از صنایع داخلی شود بلکه باید به موازات آزادسازی حمایت از صنایع داخلی نیز انجام شود همان طور که تجربه موفق کشورهای آسیای شرقی مؤید آن است.
- همراه با اعمال آزادسازی، اجرای سیاست های حمایتی دولت برای جبران آثار منفی آزادسازی به ویژه در زمینه اشتغال و حمایت از صنایع آسیب دیده از آزادسازی در رقابت جهانی ضروری بنظر می رسد.

منابع

- Bhagwati, J. & A. Kreuger (1974), "Foreign Trade Regimes and Economic Development New York", Cambridge University Press.
- Bhagwati, J. (2004), "In Défense of Globalisation Oxford", Oxford University Press.
- Brahmbhatt, M. & U. Dadush (1996), "Disparities in Global Integration", Finance and Development, Vol. 33, No. 3, PP. 1-4.
- Feder, G. (1982), "On Exports and Economic Growth", *Journal of Development Economics*, Vol. 12, PP.59-73.
- Grossman, G. & E. Helpman (1991), "Innovation and Growth in the Global Economy", Cambridge, MA: MIT Press.

- Helpman, E. & P. Krugman (1989), "Trade Policy and Market Structure", Cambridge, MA: MIT Press.
- Klein, L. R. (2004), "New Growth Centers in This Globalized Economy", *Journal of Policy Modeling*, Vol. 26, No. 4, PP. 499-505.
- Panagariya, A. (2004), "Miracles and Debacles in Defense of Trade Openness", *The World Economy*, PP. 1149-1171.
- Rodriguez, F. & D. Rodrik (1999), "Trade Policy and Economic Growth: A Skeptic's Guide to Cross-National Evidence", NBER Working Paper, No. W 7081.
- Sachs, J. & Warner (1995), "Economic Reform and the Process of Global Integration", *Brooking Papers on Economic Activity*, Vol. 1, PP. 1-118.
- Stiglitz, J. (2002), *Globalization and its Discontents*, W.W.Norton & Company.
- Thirwall, A. P. (2000), "Trade, Trade Liberalization and Economic Growth: Theory and Evidence", *Economic Research Paper*, African Development Bank, No. 63. PP. 1-27.
- Wacziarg, R. & K H. Welch (2003), "Trade Liberalization and Growth: New Evidence", *Working Paper*, National Bureau of Economic Research, Cambridge, M.A., No. 10152, PP. 1-75.
- Winters, L. A. (2004), "Trade Liberalization and Economic Performance: an Overview", *Economic Journal*, Vol. 114, No. 493, F4-F21.